

پروین گل‌زاده  
دکترای زبان و ادب فارسی  
انسیه جهان‌تپس  
دانشجوی دکتری زبان و ادب، دانشگاه  
شهید چمران اهواز و دبیر ادبیات  
دبیرستان‌های ماهشهر



# نقش راویان در تدوین شاهنامه فردوسی



## مقدمه

بدیهی است آنچه اکنون به‌عنوان آثار حماسی مکتوب در دست داریم، حاصل رنج‌ها و زحمات فراوان کسانی است که از گذشته‌های دور، داستان‌ها و روایت‌های ملی را حفظ کرده‌اند و در طول سالیان، افتخارات ملی و خاطرات و داستان‌های پهلوانان و جنگجویان بزرگ را به نسل‌های بعد انتقال داده‌اند. راویان با روایت‌های زیبا و شیرین خود آنچه از افتخارات و حوادث روزگاران پیشین در خاطر داشتند برای نسل‌های بعد بازگو کردند و این خاطرات و داستان‌ها به مرور دچار تغییراتی شد و شاخ و برگ‌های فراوان یافت و منشأ حماسه‌های ملی قرار گرفت.

پیدایش حماسه‌های ملی واقعی مدیون تلاش و ذوق کسانی است که همواره حفظ داستان‌ها و خاطرات قومی و ملی برایشان اهمیت داشته و به کوشش‌های پهلوانان و جنگجویان خود بالیده‌اند و در حفظ و انتقال آن به نسل‌های بعد کوشیده‌اند، تا سرانجام این داستان‌های افتخارآمیز به دست شاعرانی قدرتمند رسیده که با قابلیت‌ها و توانایی‌های شعری خود از آن‌ها حماسه‌هایی منظوم آفریده‌اند.

در این بررسی برآنیم تا درباره نقش راویان در تدوین حماسه ملی ایران، که از زمان‌های خیلی دور آغاز شده و در گذر ایام تکامل و گسترش یافته و سرانجام به حماسه‌های بزرگ تبدیل شده است، سخن گوئیم. باشد که نسبت به راویان

چگونه یکی از مسائل در مورد توجه در حوزه شاهنامه‌پژوهی توجیه به منابع فردوسی در سرایش شاهنامه و استفاده فردوسی از منابع شفاهی و کتبی در پردازش حماسی شاهنامه است. ظهور نهایی شاهنامه توسط فردوسی در دست حکیم فرزانة توس رسیده و با ذوق از فردوسی سینه به سینه نقل شده و سرانجام به دست پهلوانان و شاعرانی جهانی و استعداد و خلاقیت وی انجام گرفته تا به صورت بدیده‌ای جاویدان و شاهکاری جهانی در روند تدوین این حماسه ملی است. در این پژوهش منابع شفاهی فردوسی بر آن است تا اهمیت کار راویان و نقش آن‌ها را در تدوین نهایی شاهنامه، شاهنامه فردوسی، حماسه ملی، منابع شفاهی کلیدواژه‌ها: راویان، شاهنامه، فردوسی، حماسه ملی، منابع شفاهی

حماسه‌ها ادای دینی کرده باشیم.

### الف) روایت‌های شفاهی و روایان آن‌ها

بیان روایات و قصه‌های حماسی، که از روزگار پیش از مهاجرت قوم آریا به ایران آغاز شد، در بستر زمان توسعه و تکامل یافت و تغییراتی پذیرفت. این روایت‌ها از مآخذ کتبی یا شفاهی به دست آمده‌اند. داستان‌ها و روایت‌های پهلوانی پیش از آنکه مکتوب شوند، به صورت شفاهی و نقل‌های سینه به سینه در میان مردم رواج داشته‌اند.

«حماسه پژوهان برآنند که پایه‌های هیچ حماسه‌ای نمی‌تواند یکسره بر پشتوانه‌های نوشتاری و مجموعه‌های فراهم آورده فرهیختگان استوار باشد و حماسه‌سرایان سرآمد کسانی هستند که از سرچشمه‌های پویای روایت‌های مردمی نیز بهره گیرند.» (دوست‌خواه، ۱۳۸۴: ۸۳-۸۲)

از جمله مسائلی که در رابطه با روایت‌های شفاهی به طور کلی (نه تنها از دیدگاه حماسی) مطرح می‌شود، بیان آن‌ها از زبان سرودخوانان و نوازندگان دوره گرد است.

در نخستین مراحل تمدن بشر و در بسیاری از بخش‌های جهان، بسیاری از اشعار، خواه حماسی یا غنایی با آواز و ساز سروده می‌شده که هم بر مشخصات زبانی این داستان سرودها تأثیر داشته و هم به ادامه وجود تنوع‌پذیر آن‌ها یاری می‌کرده. (مختاری، ۱۳۷۹: ۳۵)

درباره روایان داستان‌ها و سرودهای کهن اطلاع چندانی در دست نداریم ولی از پژوهش‌های مختلف در این زمینه می‌توان دریافت که کوشش این سراینندگان همگام با تلاش فراهم‌آورندگان داستان‌ها از پشتوانه‌های تدوین تدریجی حماسه ملی بوده است. «باید توجه داشت که ویژگی اصلی شعر شفاهی این نیست که مکتوب نیست، بلکه این است که نقل و اجرا می‌شود.» (دیوید سن، ۱۳۸۰: ۴۳)

بنابر آنچه گفته شد، نقل‌های سینه به سینه یا سنت شفاهی، وسیله حفظ و گسترش دستاوردهای حماسی بشر قبل از پیدایش خطاند.

«شکل بیان و ارتباط در جوامع سنتی، قصه است و رفتار عامیانه قصه‌گویان، دخل و تصرف در قصه‌هاست. در جریان یادکرد قصه‌ها و روایات، موضوعات مرکزی، اساساً ثابت می‌ماند ولی جزئیات تغییر می‌کرده؛ بنابراین، در سنت حماسه‌سرایی شفاهی، شاعر قبلاً تمام جزئیات را از بر می‌داند ولی هر بار که می‌خواهد آن را برای شنوندگان خود بازگو کند، به شیوه‌ای نو آن را می‌سراید. نکته‌ای که در این نموده‌های بیانی داستان‌ها جالب توجه است، لحن حماسی آن‌هاست و نموده‌ها و نشانه‌هایی از اندیشه‌ها و گرایش‌های حماسی را می‌توان در آن‌ها باز جست.» (مختاری، ۱۳۷۹: ۳۷-۳۶)

روایان، علاوه بر علاقه‌ای که به ذکر و یادآوری داستان‌های حماسی کهن داشتند، می‌بایست از قدرت بیان هم برخوردار می‌بودند تا بتوانند عواطف و احساسات درونی مخاطبان و شنوندگان خود را تحت تأثیر قرار دهند. همچنین هر بار که می‌خواستند مطالب و داستان‌های پهلوانی و حماسی را بیان کنند، می‌بایست به شیوه‌ای نو این کار را انجام دهند. پس،

این امکان برای آن‌ها وجود داشت که ضمن حفظ محور موضوعی داستان، در جزئیات و حواشی داستان‌ها تغییراتی بدهند.

در روند تکاملی روایات شفاهی به سوی حماسه‌های منظوم، روایات و داستان‌های کهن با حفظ اصالت به تدریج از تفصیلهای جزئیات و اغراق‌های بیشتری در کلام ناقلان و قصه‌گویان برخوردار شده‌اند و در هر دوره و هر جامعه‌ای این شاخ و برگ‌ها که با روایات ملی و قصه‌های قدیمی آمیخته شده، متفاوت بوده است. همچنین ناقلان روایات بنابر ذوق و قریحه خویش تغییراتی در بیان جزئیات این روایات داده‌اند. به همین دلیل باید گفت که حضور روایان در شکل‌گیری حماسه ملی، تأثیری آشکار داشته است.

### ب) نقش دهقانان و موبدان در حفظ روایت‌های حماسی و پهلوانی

از نکات مهم در تدوین و تکمیل حماسه ملی ایران توجه به طبقات و گروه‌های خاصی از جامعه است که در حفظ روایات و داستان‌های کهن می‌کوشیده‌اند، چراکه همه ایرانیان در حفظ روایات ملی نقش نداشته‌اند و این کار نتیجه همت کسانی بوده است که به تداوم آثار نیاکان و مفاخر آن‌ها علاقه داشته و از هیچ تلاشی در این راه دریغ نکرده‌اند.

«یکی از طبقات اجتماعی در ایران باستان، که از ننگ دارندگان اصلی روایات ملی محسوب می‌شوند، دهقانان بودند. دهقانان از ذهنیت فرهیخته‌ای برخوردار بودند و موقعیت اجتماعی ویژه‌ای داشتند. فردوسی بارها در اشعار خود از دهقانان یاد کرده است. عنوان‌هایی نظیر سخن‌گوی دهقان، دهقان پیر، سراینده دهقان، دهقان داننده، پرمایه دهقان، دهقان دانش‌پژوه و غیره که فردوسی در اثر جاودانه خود بدان‌ها اشاره کرده، نشان‌دهنده موقعیت خاص اجتماعی و اهمیت و اعتبار دهقانان در آن روزگار است.» (مختاری، ۱۳۷۹: ۵۴)

معنای دهقان در روزگار فردوسی با معنای امروزی آن تفاوت دارد. دهقانان در روزگار فردوسی، مالکان فرهیخته و آشنا به فرهنگ و تمدن ایران زمین بودند، نه به معنی کشاورز ساده و خود فردوسی هم از دهقانان توس بوده است.

دهقانان ایرانیان نژاده و اصیلی بودند که پایگاه اجتماعی والایی داشتند و روایات و داستان‌های ملی در میان آن‌ها به صورت شفاهی و مکتوب موجود بود و در حفظ آن‌ها کوشا بودند.

«دیگر از روایان داستان‌های حماسی می‌توان به موبدان اشاره کرد و فردوسی به زبان شعر، از شخصیت‌هایی چون موبد و دهقان یاد کرده است. نقش دهقان و موبد، به‌عنوان روایان معتبر وقایع و داستان‌های گذشته با نقش سراینده یکی است.» (دیوید سن، ۱۳۸۰: ۴۵-۴۴)

موبدان هم به‌عنوان یک طبقه اجتماعی، همانند دهقانان، در عصر خود از موقعیت و مقام و نفوذ خاصی در جامعه برخوردار بودند و در حفظ روایت‌های حماسی سهم بسزایی داشتند. اصولاً موبدان برای حفظ و اشاعه دین زرتشت و نیز گردآوری اوستا کوشش‌های زیادی کرده‌اند و می‌توان گفت از آنجا که در قطعاتی از اوستا نیز از روایات کهن ملی سخن



قسمت مهمی از منابع تدوین حماسه ملی مدیون زحمات راویان است. بخشی از شاهنامه مدیون منابع کتبی است و تقدیه می‌کند از منابع شفاهی و گفتاری

به میان آمده و به اسامی بعضی از شاهان اشاره شده است، موبدان می‌توانسته‌اند از این طریق نیز در حفظ داستان‌های ملی کوشا بوده باشند.

#### پ) اشاره به نام راویان در شاهنامه فردوسی

همان‌طور که گفته شد، قسمت مهمی از منابع تدوین حماسه ملی مدیون زحمات راویان است. بخشی از شاهنامه مدیون منابع کتبی است و بخشی از آن از منابع شفاهی و گفتاری تغذیه می‌کند. گاه فردوسی مطالب را چنان از زبان راویان نقل می‌کند که گویی خود از آن‌ها شنیده است. در این قسمت به راویانی می‌پردازیم که فردوسی در اثر خود از آن‌ها نام برده است. یکی از این راویان، «بهرام شیرین‌سخن» است که در پایان داستان رستم و سهراب به او اشاره کرده است:

چنین گفت بهرام شیرین سخن  
که با مردگان آشنایی مکن

«به نظر می‌رسد که این بهرام، معاصر فردوسی بوده و یکی از زرتشتیان یا موبدانی بوده که با فردوسی آشنایی داشته.» (همایونفرخ، ۱۳۷۷: ج ۱: ۸۳۵-۸۳۳)

«دیگر از راویان که ذکر او در شاهنامه آمده، «ماخ» است. نام ماخ در دیباجة شاهنامه منصورى آمده است: «کس فرستاد به شهرهای خراسان، و هشیاران از آنجا بیاورد چون ماخ، پیر خراسانی از هری...» (مینوی، ۱۳۷۲: ۷۸)

«دیگر از راویان یاد شده در کلام فردوسی آزاد سرو است: یکی پیر بد نامش آزاد سرو

که با احمد سهل بودی به مرو

احمد سهل مذکور، از دهقانان مرو و از سپاهیان و سرداران چند تن از پادشاهان سامانی بود و آزاد سرو در مرو در خدمت احمد سهل بوده است.» (برتلس، ۱۳۶۹: ۷۷)

بنابراین، فردوسی به نام برخی از راویان در اشعار خود اشاره کرده و احتمالاً قصد او از این کار، حفظ امانت در بهره‌گیری

از سخن آنان بوده است. درباره بهره‌گیری فردوسی و دیگر حماسه‌سرایان از نقل‌ها و روایات شفاهی در پژوهش‌های حماسی بحث‌های زیادی صورت گرفته است. بعضی از محققان چون ژول مول بر این باورند که منابع کار فردوسی تنها شفاهی بوده که البته این سخن مبالغه‌آمیز است و برخی چون استاد صفا عقیده دارند که مبنای کار فردوسی منابع مکتوب بوده و تأثیر روایات شفاهی به مراتب اندک‌تر از منابع مکتوب بوده است. ذبیح‌الله صفا در کتاب «حماسه‌سرایی» به صراحت بیان می‌دارد که «منظومه اغلب شعرای حماسه‌سرا مبتنی بر یک یا چند اثر مکتوب بوده است.» (صفا، ۱۳۸۹: ۷۶)

#### ت) توجه فردوسی به منابع شفاهی و مآخذ گفتاری

تأثیر راویان و گفته‌های آن‌ها را در سیر تدوین حماسه ملی نمی‌توان انکار کرد اما درباره اینکه توجه فردوسی در سرایش شاهنامه به‌عنوان حماسه ملی، به مآخذ گفتاری تا چه حد بوده، موجب شکل‌گیری بحث‌های دقیقی در میان پژوهشگران حماسی شده است.

قبل از اتمام بحث لازم می‌دانم مطلبی را که **حلال خالقی مطلق** درباره مآخذ گفتاری و شفاهی شاهنامه در مجله ایران‌شناسی گفته است، بیان کنم. ایشان بر این باور است که بخشی از شاهنامه اصلاً به مآخذ گفتاری برنمی‌گردد و یک بخش آن بعد از سه یا چهار پشت، تازه به یک اصل شفاهی می‌رسد و اگر مطالب اساطیری را تا پیش از فرهنگ خط دنبال کنیم، به اصل گفتاری می‌رسیم ولی ناقلان آن اخبار شفاهی، مغان و موبدان بوده‌اند و نه سرایندگان دوره‌گرد و نیز اگر از زبان بدیهه‌سرایی شفاهی چیزی به شاهنامه و آثار حماسی پیش از آن رسیده است، تأثیری غیرمستقیم و دور است.

دنباله مطلب در وبگاه نشریه